

پایتخت در سراسیمه تکرار؛

جذابیت از دست رفته

محمد لقمانی

«پایتخت» به عنوان یکی از مهمترین و ادامه دارترین سریال‌های ایران جدا از شکل و شیوه‌ی داستان پردازی انتخاب داستان‌ها و مفاهیم همه فهم و جذاب انتخاب ساختاری روان و رها برای دنبال کردن ماجراهای بازی‌های درست و چند نکته دیگر همیشه نگاهی فوق العاده ریزبینانه و درست به جزئیات رفتاری و گفتاری و عادت‌های زیستی مردمان خطه سرسبز مازندران داشت. سریال «پایتخت»، در طول فصول مختلف خود، توانست به عنوان یکی از محبوب‌ترین و پربیننده‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی ایران شناخته شود. این سریال که از ابتدا با داستانی ساده و کم‌دی آغاز شد، به مرور زمان و در فصول مختلف به پیچیدگی‌ها و ابعاد بیشتری پرداخت. اما این سریال از فصل‌های پنج و شش نسبت به آغاز پر قدرت که داستان‌های روز آن را پیش می‌برد فاصله گرفت و به تکرار افتاد. در ادامه مهمترین حاشیه‌ها، چالش‌ها و نقاط ضعف این سریال دوست داشتنی و نوستالوژیک را بررسی می‌کنیم.

سریالی که مخاطبان با آن هم ذات پنداری می‌کنند

یکی از بارزترین نقاط قوت «پایتخت»، شخصیت پردازی قوی و توسعه تدریجی شخصیت‌های آن بوده است. شخصیت‌هایی همچون نقی معمولی، ارسطو، همسا و بابا پنجه‌لی در طول زمان تغییراتی قابل توجه داشتند و به بلوغ رسیدند. نویسندگان به خوبی توانستند لایه‌های عمیق‌تری از ویژگی‌های شخصیتی و پیچیدگی‌های زندگی این افراد را نمایش دهند که سبب شد مخاطب به راحتی با این شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری کند و به نوعی آن‌ها را به بخشی از زندگی خود تبدیل کند. این تغییرات و رشد شخصیت‌ها، یکی از اصلی‌ترین عواملی است که باعث شد «پایتخت» از یک سریال صرفاً کمدی به یک اثر دارای ابعاد دراماتیک و اجتماعی تبدیل شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته این سریال، استفاده از لهجه و فرهنگ شمالی در ساختار داستان است. انتخاب مازندران به عنوان محل زندگی خانواده معمولی و پرداختن به ویژگی‌های خاص این منطقه، لهجه و آداب و رسوم مردم آن، به سریال اعتبار و واقع‌گرایی بخشید. این امر نه تنها باعث نزدیکی بیشتر به فضای واقعی جامعه ایرانی شد، بلکه این احساس را در مخاطب ایجاد کرد که سریال در دل زندگی روزمره مردم ساخته شده است. این انتخاب به‌ویژه در دنیای کمدی داستان موفق عمل کرد و باعث شد تماشاگران به راحتی خود را درون این داستان‌ها بیابند و ارتباط عمیق‌تری با شخصیت‌ها برقرار کنند.

سریال همچنین در پرداختن به موضوعات اجتماعی و روزمره مردم با زبانی طنز و قابل

فهم موفق عمل کرد. از مشکلات اقتصادی گرفته تا روابط خانوادگی، سریال به خوبی مسائل اجتماعی را در دل داستان گنجانده و توانست این مسائل را به‌صورتی غیرمستقیم و با زبان طنز به نمایش بگذارد. این توانایی در نشان دادن مسائل جدی در قالبی شیرین و قابل فهم، یکی از دلایلی است که «پایتخت» توانست به اثری محبوب تبدیل شود. این ویژگی به‌ویژه در فصول ابتدایی که داستان‌ها به‌طور ساده و طنزگونه پیش می‌رفتند، خود را به خوبی نشان داد.

شوخی‌های هوشمندانه و موقعیت‌های طنز طبیعی که در سراسر سریال شاهد بودیم، عامل دیگری در موفقیت آن بود. این شوخی‌ها عمدتاً از فضای زندگی واقعی و روزمره مردم ایران الهام گرفته بودند و باعث شدند که در دل بحران‌ها و مشکلات مختلف، همچنان لحظات شادی و خنده برای مخاطب فراهم شود. این تعادل میان کمدی و درام باعث شد که «پایتخت» همیشه جذاب و سرگرم‌کننده باشد و مخاطب هیچ گاه از تماشای آن خسته نشود.

مهمترین نقاط ضعف؛ از حذف شخصیت‌ها تا فیلم‌نامه کم‌رقم

اما «پایتخت» در فصل‌های پایانی دیگر خنده را مانند قبل به لبان مخاطب خود نیاورد. یکی از این نقاط ضعف، تکرار برخی داستان‌ها و موقعیت‌های کلیشه‌ای در فصول پایانی بود. در ابتدا، بسیاری از موقعیت‌های طنز و داستان‌ها نو و جذاب به نظر می‌رسیدند، اما در فصول بعدی شاهد بودیم که برخی از آن‌ها تکرار شدند و این امر باعث کاهش جذابیت سریال و از دست رفتن طراوت اولیه شد.



«پایتخت» در فصل‌های پایانی دیگر خنده را مانند قبل به لبان مخاطب خود نیاورد. یکی از این نقاط ضعف، تکرار برخی داستان‌ها و موقعیت‌های کلیشه‌ای در فصول پایانی بود.

از دیگر نقاط ضعف، حذف ناگهانی شخصیت‌های محبوب مانند بابا پنجه‌لی در فصول بعدی بود. این تصمیم که باعث ناراحتی بخشی از مخاطبان شد، به دلیل محبوبیت بالای این شخصیت و ارتباط عاطفی که بسیاری از تماشاگران با او داشتند، احساس ناخوشایندی را در بین طرفداران به وجود آورد. افزون بر این، جایگزینی مناسبی برای این شخصیت‌ها در داستان انجام نشد و همین مسئله سبب شد که برخی از فصول بعدی از پویایی و جذابیت لازم برخوردار نباشند.

تغییرات ناگهانی در روند داستان نیز یکی دیگر از نقدهایی بود که به سریال وارد شد. در برخی از فصول، بدون مقدمه و توضیح خاصی، تغییرات بزرگی در روند داستان ایجاد می‌شد که باعث گیج شدن تماشاگران می‌شد. این تغییرات ناگهانی نه تنها از نظر داستانی قابل توجیه نبودند، بلکه در برخی موارد به انسجام و پیوستگی داستان آسیب وارد کردند.

یکی از انتقادهای عمده به سریال، کاهش کیفیت فیلمنامه در فصول اخیر بود. بسیاری از منتقدان و مخاطبان اشاره کرده‌اند که داستان در فصل‌های پایانی به دلیل کش‌دار شدن و تلاش برای ادامه دادن، از جذابیت‌های اولیه خود فاصله گرفت. داستان‌ها به شدت اغراق‌آمیز و تکراری شدند و این امر باعث شد که کیفیت فیلمنامه به طور چشمگیری کاهش یابد.

اما پایتخت ۶ را باید پر حاشیه‌ترین سریال امسال بدانیم. افت کیفیت در این سریال نسبت به فصل‌های پیشین مشهود بود که این اتفاق اعتراض بخشی از مخاطبان و دفاع نویسنده و کارگردان را در پی داشت. جای خالی فیلمنامه‌نویس فقید سریال یعنی خشایار الوند